

## بازنگری در الگو و محور توسعه و ایجاد اشتغال

حسین طالبی

مدیر فناوری اطلاعات شرکت ملی نفت

بزرگترین دغدغه مردم علی‌الخصوص جوانان تحصیل کرده و نیز دولتمردان در جمهوری اسلامی افزایش روزافزون بیکاری است از طرفی مهمترین هدف مسئولین ارائه راهکارهای عملی جهت کارآفرینی و ایجاد اشتغال می‌باشد. از آنجائیکه انتخاب الگوی مناسب توسعه در کشور می‌تواند تاثیر به سزایی در رفع معضلات اقتصادی و از همه مهمتر اشتغال‌زایی در جامعه داشته باشد لذا در این مقاله به تحلیل پیرامون الگو و مدل‌های توسعه اقتصادی متداول و سپس انتخاب بهترین الگوی توسعه در جمهوری اسلامی با توجه به مزیت‌های موجود در کشور خواهیم پرداخت.

فرایند برنامه‌ریزی توسعه در هر کشور به قرار زیر می‌باشد:

- انتخاب الگو و مدل مناسب توسعه

- تعیین محورهای توسعه

- بسترسازی جهت تحقق توسعه

- برنامه‌ریزی و کنترل

- بکارگیری منابع و ابزار توسعه جهت تحقق توسعه

با توجه به نقش بسیار مهم انتخاب الگو و محور مناسب در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تکیه بر شاخص اشتغال در این مقاله به عوامل و شاخص‌های موثر در انتخاب الگو و محورهای توسعه و مقایسه این شاخص‌ها با فناوری اطلاعات خواهیم پرداخت.

### ۱- انتخاب الگوی توسعه

برنامه‌ریزی درازمدت و میان مدت بدون وجود الگوی مناسب توسعه موجب سردرگمی برنامه ریزان و ایجاد اختلال در امور اجرایی و هرز رفتن منابع خواهد گردید.

در زیر به دو نمونه الگوی توسعه اقتصادی در جهان اشاره می‌گردد:

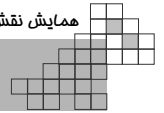
- الگوی «ب» بمعنای الگوی بد

- الگوی «خ» بمعنای الگوی خوب

الگوی «ب» بیشتر در کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته بکار می‌رود و اصولاً امکان هرگونه توسعه واقعی و جهشی را

از این کشورها می‌گیرد.

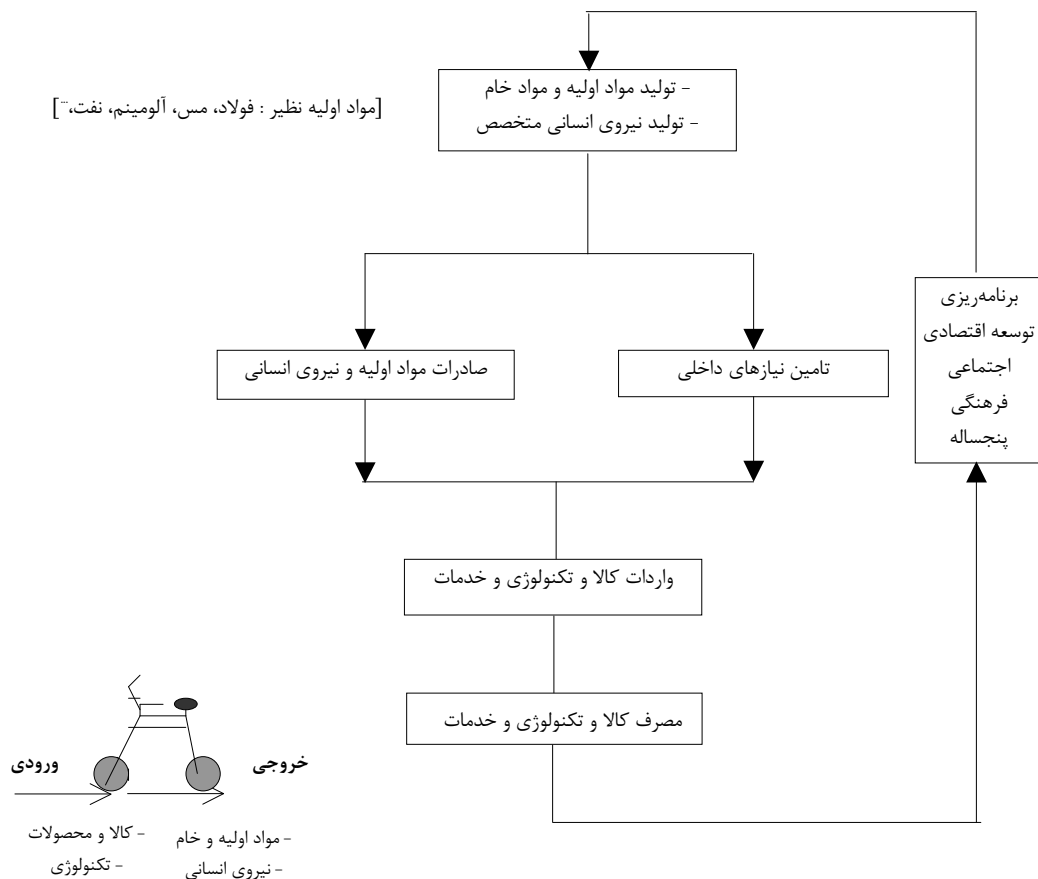
الگوی «خ» در کشورهای توسعه یافته و یا کشورهای توسعه نیافته که قصد توسعه جهشی دارند بکار می‌رود.



هر یک از الگوهای فوق بصورت نمودار کلی در اشکال زیر نشان داده شده است :

« الگوی ب »

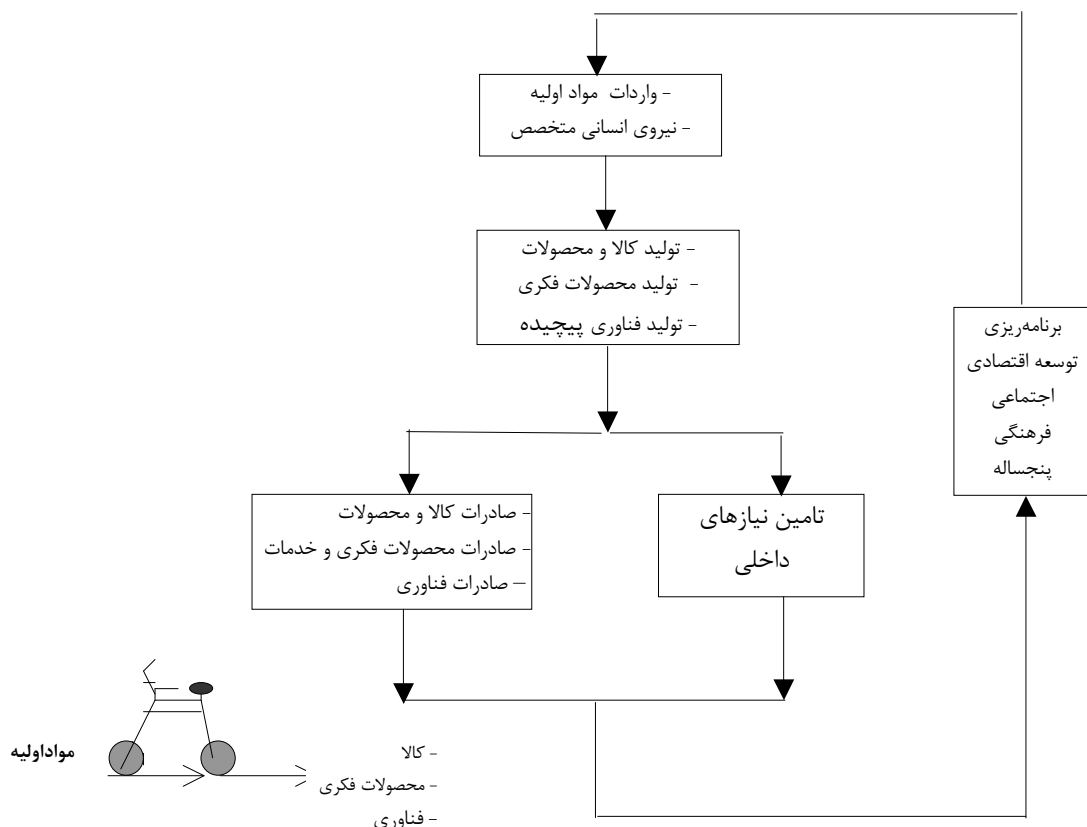
الگوی کشورهای توسعه نیافته و آنهایی که هرگز توسعه نخواهند یافت :



کشورهائی که این الگو را جهت توسعه انتخاب نموده اند در واقع سرمایه‌های ملی و پایان پذیر خود را با نازلترین قیمت به کشورهای توسعه یافته می فروشند و آن کشورها این مواد را با کارآفرینی و بکارگیری تکنولوژی و نیروهای متخصص به محصولات گرانبه‌مادی و فکری، با ارزش افزوده بسیار بالا تبدیل نموده و به کشورهای توسعه نیافته صادر می نمایند.

### الگوی توسعه اقتصادی «خ»

این الگو را کشورهای توسعه یافته و نیز کشورهایی که قصد توسعه جهشی دارند انتخاب نموده اند نمودار کلی آن به شکل زیر می باشد:

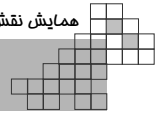


در این الگو چنانچه ملاحظه می گردد مواد اولیه و خام ارزان قیمت نظیر فولاد، مس، آلومینیم، نفت، ... عمدتاً از کشورهای جهان سوم وارد و سپس با کارآفرینی به تولید کالا و محصولات فکری و فناوری پیچیده با ارزش افزوده و اشتغال زائی بالا تبدیل و به خارج صادر می گردد.

### ۲- تعیین محورهای توسعه

نمونه ای از محورهای توسعه به قرار زیر می باشد:

- صنایع مواد اولیه : تولید مس، آلومینیم، فولاد، ...
- صنایع نفت
- صنایع محصولات میانی و کالا
- صنایع الکترونیک
- فناوری اطلاعات و ارتباطات



- کشاورزی

در تعیین محورهای توسعه و اولویت بندی آنها چه عواملی موثرند ؟ ؟

### عوامل موثر در انتخاب محورهای توسعه

در انتخاب محورهای توسعه و تعیین اولویت‌ها عوامل و شاخص‌های زیر دخالت دارند :

- ارزش افزوده :

نقش ارزش افزوده در انتخاب محور توسعه بسیار مهم است یعنی از بین محورهای مختلف آن محوری اولویت دارد که دارای ارزش افزوده بیشتر است.

- اشتغال‌زائی :

استراتژی توسعه و هدایت سرمایه‌گذارها باید بسوی محورهای باشد که دارای اشتغال‌زائی بیشتر نسبت به سایر محورها باشد.

- آلودگی محیط زیست :

محوری که آلودگی محیط زیست کمتری دارد از اولویت بیشتری در انتخاب محورهای توسعه برخوردارند.

- ارتقاء و رشد فناوری :

محوری از اولویت بالاتری در توسعه اقتصادی برخوردار است که باعث توسعه و رشد فناوری بیشتری در جامعه گردد.

- هماهنگی با نیازها و توسعه آتی جهان :

انتخاب محور توسعه باید بگونه ای باشد که با روند توسعه آتی جهان هماهنگی کامل داشته باشد بعنوان مثال محوری که در توسعه اقتصادی جهان در حال افول می‌باشد نباید بعنوان محور توسعه که آینده اقتصاد کشور برآن استوار خواهد شد انتخاب گردد مثلاً در دنیای آتی فناوری اطلاعات و ارتباطات و محصولات فکری نظیر محصولات و خدمات نرم‌افزاری بصورت فرایندی در حال پیشرفت و تکامل است.

- مزیت نیروی انسانی :

کشورهائی که دارای نیروی انسانی جوان، فرهیخته متخصص و ارزان قیمت هستند باید محوری را در توسعه انتخاب نمایند که از این مزیت در رقابت اقتصادی جهان به بهترین نحو استفاده نمایند.

از آنجائیکه الگوی انتخابی و محورهای توسعه در ایران عمدتاً متمایل به الگوی ب یعنی سرمایه‌گذاری در تولید مواد اولیه نظیر تولید نفت، فولاد، مس، آلومینیم و سایر کانیها و تامین نیازهای داخلی و صادرات مازاد آنها و نیز واردات تکنولوژی، کالا و خدمات می‌باشد و از طرفی با توجه به پیشرفت سریع و نقش بسیار موثر فناوری اطلاعات بعنوان بهترین محور توسعه انتخابی در ایران می‌تواند در اصلاح و انتقال الگوی اقتصادی جمهوری اسلامی از الگوی ب به الگوی خ و نیز از آنجائیکه فناوری اطلاعات نقش بسیار موثری در ایجاد اشتغال و رفع معضل اقتصادی در جامعه دارد لذا در صفحات بعد به ارزیابی اقتصاد مبتنی بر تولید مواد اولیه و نیز اقتصاد مبتنی بر فناوری اطلاعات و مقایسه آنها با شاخص‌های : ارزش افزوده، اشتغال‌زائی، آلودگی محیط زیست، ارتقاء و رشد فناوری، هماهنگی با نیازهای توسعه آتی جهان و مزیت مبتنی بر نیروی انسانی خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- مقایسه ارزش افزوده نفت خام برای خریداران و ایران

[ هر بشکه نفت خام حدود ۱۶۰ لیتر می‌باشد ]

### ارزش افزوده برای خریداران

متوسط قیمت فروش یک بشکه نفت خام	=	۲۰ دلار
هزینه حمل یک بشکه نفت خام	=	۱ دلار
هزینه پالایش و توزیع یک بشکه نفت خام	=	۲ دلار
قیمت تمام شده ۱۶۰ لیتر فرآورده	=	۲۳ دلار
متوسط قیمت فروش ۱۶۰ لیتر در اروپا و آمریکا و ...	=	۱۶۰ دلار [ متوسط قیمت هر لیتر فرآورده یک دلار ]

ارزش افزوده و سود کشورهای خریدار	=	۱۳۷ دلار	=	۱۶۰ - ۲۳
----------------------------------	---	----------	---	----------

### ارزش افزوده برای ایران

- قیمت تمام شده تولید یک بشکه نفت خام در ایران	۵ دلار [ با احتساب دارائیه‌ها، کالا، تاسیسات به قیمت روز ]
- قیمت فروش یک بشکه نفت خام ایران	۲۰ دلار

ارزش افزوده یک بشکه برای ایران	=	۱۵ دلار	=	۲۰ - ۵
--------------------------------	---	---------	---	--------

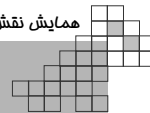
با احتساب صادرات ۲/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز ارزش افزوده سالانه ( سود ) صادر کننده (ایران) و وارد کننده (خریداران) به قرار زیر می‌باشد :

روز	سود
- کل ارزش افزوده (سود) ایران در یکسال	میلیارد دلار $137 \times 15 \times 365 \times 2/5 =$ ۱۳/۵
- کل ارزش افزوده خریداران نفت ایران در یکسال	میلیارد دلار $137 \times 15 \times 365 \times 2/5 =$ ۱۲۵

چنانچه ملاحظه می‌گردد در فرایند تولید و صادرات نفت خام برنده اصلی کشورهای توسعه یافته خریدار نفت خام هستند که تنها از نفت خام ایران سودی بیش از ۱۲۵ میلیارد می‌برند این در حالی است که ایران تنها ۱۳/۷ میلیارد دلار از تولید و صادرات نفت خام خود سود خواهد برد.  
 اینک به ارزش افزوده مصرف نفت خام در ایران توجه بفرمائید.

### بررسی ارزش افزوده مصرف نفت خام در داخل

- متوسط یک بشکه نفت خام	۲۰ دلار (۱۶۰ لیتر)
- هزینه پالایش و توزیع در ایران	۱ دلار [ با احتساب ارزش فعلی دارائیه‌ها و سرمایه‌ها ]



- تمام شده یک بشکه فرآورده در ایران ۲۱ دلار  
 تمام شده یک بشکه برحسب ریال  $21 \times 8000 = 168000$   
 قیمت فعلی فروش ۱۶۰ لیتر (یک بشکه) فرآورده در ایران ریال  $160 \times 450 = 72000$  [ به ازاء هر لیتر ۴۵۰ ریال ]

زیان حاصل از فروش یک بشکه فرآورده (ریال)  $168000 - 72000 = 96000$

یعنی الگوی اقتصادی ایران به گونهای است که دولت ایران به ازاء فروش یک بشکه نفت بصورت فرآورده در داخل کشور ۹۶۰۰۰ ریال زیان می‌دهد ( ارزش افزوده منفی ) این در حالیست که کشورهای خریدار به ازاء هر بشکه فرآورده ۱۲۳ دلار یعنی معادل  $123 \times 8000 = 984000$  ریال سود می‌برند.

**نکته :** نفت خام که ۷۵٪ صادرات ایران و سایر کشورهای نفتی توسعه نیافته را تشکیل می‌دهد جزو ضوابط حاکم بر سازمان تجارت جهانی WTO نیست یعنی کشورهای توسعه یافته مجازند به هر میزان به آن مالیات و عوارض و سود بازرگانی ببندند ولی به کشورهای توسعه نیافته و عضو در WTO مجاز نیستند جهت حمایت از تولیدات داخل به محصولات و کالاهای صادراتی غرب تعرفه و سود بازرگانی، عوارض گمرکی ببندند.  
 در نتیجه بعلت گرانی بهای فروش فرآورده در کشورهای توسعه یافته ناشی از وضع مالیات و عوارض سنگین دولتی مصرف آن به شدت پائین آمده و قیمت نفت خام در بازار بسیار پائین است در حالیکه اگر برطبق ضوابط WTO دولت‌ها مجاز به وضع تعرفه، عوارض و مالیات نظیر سایر کالاها نبودند بهای فرآورده بشدت کاهش می‌یافت و مصرف آن بالا میرفت و ارزش افزوده فروش نفت خام به شدت افزایش می‌یافت.

تولید و صادرات سایر مواد اولیه نظیر: فولاد، مس، آلومینیم،... هم تقریباً مثل نفت است یعنی برای تولید کننده ارزش افزوده بسیار ناچیز ولی برای کشورهای توسعه یافته که این مواد را دریافت و تبدیل به کالا و محصولات نهائی می‌نمایند دارای ارزش افزوده بسیار بالائی است.

## ۲-۲- از نظر اشتغال‌زائی

صنایع فولاد، مس، آلومینیم،... دارای اشتغال‌زائی بسیار کم در مقابل سرمایه‌گذاری بسیار بالاست  
 مثال:

سرمایه‌گذاری اولیه و میزان اشتغال‌زائی صنایع فولاد مبارکه به قرار زیر می‌باشد: سرمایه‌گذاری اولیه جهت تاسیس:

سرمایه‌گذاری ارزی (حدود ۲/۵ میلیارد دلار) + سرمایه‌گذاری ریالی (۳۵۰ میلیارد تومان)

میزان اشتغال‌زائی حدود ۷۵۰۰ نفر که ۷۰٪ آنها دیپلم و زیر دیپلم هستند.

چنانچه سود خوابیدن سرمایه در مدت ساخت تاسیسات و نیز هزینه‌های جاری بهره برداری را به سرمایه‌گذاری اولیه اضافه

نمائید ملاحظه خواهید نمود که در مقابل سرمایه‌گذاری بسیار عظیم فوق، اشتغال‌زائی بسیار کم و ناچیز بوده است و شاید قیمت

تمام شده هر تن فولاد با احتساب سرمایه‌گذاری و سود ناشی از خوابیدن سرمایه و سایر هزینه‌های جاری بمراتب بیشتر از بهای یک تن فولاد وارداتی است.

محاسبه سرانگشتی فوق برای سایر کارخانجات مربوط به صنایع فولاد، مس، آلومینیم، و نظایر آن نیز صادق است. بنابراین سرمایه‌گذاری در بخش صنایع مذکور که بعنوان یک محور اساسی توسعه در کشورهای در حال توسعه علی‌الخصوص ایران انتخاب گردیده در مقابل بازده و ارزش افزوده بسیار اندک و اشتغال‌زایی بسیار پایین آن هیچ نوع توجیه اقتصادی و اجتماعی ندارد.

### ۲-۳- آلودگی محیط زیست

در بخش صنایع سنگین فوق آلودگی محیط زیست بسیار بسیار بالاست و زیان هنگفتی به مزارع کشاورزی و محیط زیست وارد می‌سازد.

### ۲-۴- ارتقاء و انتقال فناوری

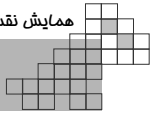
اگر انتقال و ارتقاء تکنولوژی را افزایش دانش طراحی، ساخت توام با نوآوری و در نهایت صادر نمودن محصولات حاصل از این دانش یعنی تولید صادرات کارخانجات مشابه بدانیم خواهیم دید سرمایه‌گذاری در صنایع مذکور به هیچ‌وجه ارتقاء و انتقال فناوری ندارد.

### ۲-۵- هماهنگی با نیازها و توسعه آتی جهان :

دنیای آینده از آن کشورهایی است که بر فناوری اطلاعات و ارتباطات تسلط داشته باشند قیمت عرضه فناوری اطلاعات و درآمدهای حاصل از آن به شدت در حال افزایش است در حالیکه قیمت مواد اولیه و خام نظیر نفت، فولاد، مس، آلومینیم، تقریباً ثابت و گاهی کاهش می‌یابد و در واقع سود اصلی را کشورهای وارد کننده این مواد می‌برند از طرفی مصرف برخی از مواد اولیه نظیر مس بعلت جایگزینی ارتباطات بی سیم و یا فیبر نوری به جای ارتباطات مسی در حال کاهش است.

### فناوری اطلاعات و ارتباطات بهترین محور توسعه در جهان و در ایران

با ایجاد تحول و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات و ورود به عصر اطلاعات، کشورهای توسعه یافته و کشورهایی که عزم توسعه جهشی دارند فناوری اطلاعات که دارای ارزش افزوده و اشتغال‌زایی بسیار بالا می‌باشد را بعنوان محور اصلی و استراتژیک توسعه خود انتخاب نموده‌اند. از طرفی این کشورها برای رها شدن از صنایع مزاحم و رو به افول خود یعنی صنایع فولاد، مس، آلومینیم، که دارای ارزش افزوده و اشتغال‌زایی بسیار پائین و آلوده کننده محیط زیست می‌باشد، استراتژی انتقال این صنایع مزاحم را به کشورهای جهان سوم انتخاب نموده‌اند تا از این طریق ضمن اتلاف وقت و سرمایه‌های جهان سوم آنان را از پرداختن به فناوری جدید و رو به توسعه اطلاعات و ارتباطات که دارای تمامی مختصات و عاری از معایب مندرج در شاخص‌های محورهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است بازدارند. در اجرای این استراتژی یعنی انتقال صنایع مزاحم به جهان سوم همه‌گونه همکاری اقتصادی و تبلیغاتی و سیاسی با این کشورها خواهند نمود و متأسفانه دیده شده است که برخی از کشورهای در حال توسعه ناآگاهانه در این دام افتاده‌اند و بخش اعظم از منابع اقتصادی و ارتباطات سیاسی و برنامه‌های



توسعه ای خود را به گسترش اینگونه صنایع اختصاص داده و از پرداختن به فناوری اطلاعات و ارتباطات که دارای ارزش افزوده و اشتغالزائی بسیار بالا بوده و می توان با تکیه بر آن ضریب رشد و توسعه را در کلیه بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از همه مهمتر اقتدار ملی افزایش داد غفلت نموده اند.

IT باعث می گردد تا چرخه اقتصاد کشور به حرکت در آید، سرعت عملیات و فرایندهای اجرایی در تمامی بخش ها به شدت بالا رود، تسریع در عملیات بانکی، تسریع در عملیات تولید، بکارگیری فکرها و اندیشه ها، افزایش خلاقیت ها و نوآوری ها، ابداع و ابتکار، افزایش بهره وری، جایگزینی کارهای فکری به جای کارهای یدی، رقابت با توسعه یافته ها در عرضه فرآورده ها و محصولات فکری، دسترسی به بازارهای بین المللی و امکان حضور در عرصه های بین المللی بعنوان عرضه کننده محصولات و خدمات فکری همه و همه از دستاوردهای فناوری اطلاعات است که منجر به توسعه و رونق اقتصادی و توسعه مشاغل و در نتیجه توسعه اجتماعی و فرهنگی خواهد گردید.